

به نام خدا

## کلیات شمس و هویت دینی و ملی

سمیرا رستمی

عضو هیأت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد فسا

دانشجوی دوره دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد

## چکیده

در این پژوهش با هدف نشان دادن تأثیر پذیری شاعران از عناصر دینی و ملی و تلفیق دین و ملیت در اندیشه آنان، به بررسی تلمیحات کلیات شمس پرداخته شده است. محدوده تلمیحات مورد بحث، تلمیحاتی است که به شخصیت های اسلامی و یا شخصیت های ملی (حماسی اساطیری و ...) اشاره دارد. با این نگرش، ابتدا تلمیحات به دو بخش اسلامی و ایرانی تقسیم شده و سپس با توجه به شیوه به کار گیری این اشارات در کلیات شمس، تلمیحات در سه بخش اسلامی، ایرانی و تلفیقی از اسلامی و ایرانی مورد بررسی قرار گرفته است.

**کلید واژه ها:** کلیات شمس، هویت ملی، هویت دینی، تلمیحات، مولوی

## مقدمه

ادبیات هر ملت آینه ای است که هویت و فرهنگ آن ملت را به روشنی و به دور از غبارهای تعصب و مصلحت اندیشی نشان می دهد. از آنجا که ادبیات جایگاه ظهور درونی ترین و لطیف ترین احساسات بشری است و نهفته ترین اندیشه های انسانی را در خود جای می دهد، یکی از راههای شناخت هر جامعه می تواند بررسی آثار ادبی آن باشد.

ادبیات فارسی نیز با سابقه درخشان و کم نظیر خود از این قاعده مستثنی نیست. شاعران و نویسندگان ایرانی با تمام ویژگی های ملی و ذخایر مذهبی خود، شاهکارهای بی بدیلی را آفریده اند که برای همیشه هویت افتخار آمیز ایرانی را در حافظه بشری ماندگار می سازد.

ادبیات فارسی از یک سو میراث قوم کهن و بزرگی را در خود حفظ می کند که ستایشگر خرد است و از سوی دیگر گنجینه ارزشمند دینی را با خود دارد که خردورزی را عبادت می داند، بنابراین جای شگفتی نیست که بزرگانی چون فردوسی، سعدی، حافظ و مولوی از این سرزمین برخاسته اند.

هویت ملی و مذهبی در وجود ایرانیان از جمله شاعران ایرانی چنان با هم آمیخته است که به سختی می توان این دو را کاملاً از هم جدا کرد. از آنجا که دین بر پایه فطرت انسانی است و ارزش های دینی، ارزش های انسانی است، بسیاری از ارزش ها از دیدگاه ملی و دینی، هر دو پسندیده است، بنابراین وقتی شاعر مسلمان ایرانی از آزادگی سخن می گوید و یا انسان ها را به راستی و درست کاری فرا می خواند نمی توان تفکیک کرد که او به عنوان یک شاعر مسلمان سخن می گوید، یا یک شاعر ایرانی.

شعر فارسی در حقیقت نشان دهنده آداب و رسوم و اعتقادات ایرانیان در قرون متمادی است ؛ ضرب المثل ها ، کنایه ها و تمثیل ها ، نکات دقیق و ظریف فرهنگ ایرانی را بیان می کنند؛ یکی از مواردی که می تواند نشان دهنده تمایلات ملی و دینی یک شاعر باشد ، تلمیحاتی است که در آثار او دیده می شود؛ از این منظر ، تلمیحات به دو دسته کلی تلمیحات ایرانی و تلمیحات اسلامی تقسیم می گردد<sup>۱</sup> . در این مقاله به بررسی بخشی از تلمیحات دینی و ملی در کلیات شمس پرداخته می شود.

---

<sup>۱</sup> - « در شعر فارسی ، هم از تلمیحات ایرانی استفاده شده است ( که بیشتر حماسی هستند ) و هم از تلمیحات اسلامی ( مانند ذکر حضرت محمد (ص) و علی (ع) و غیره ) یک قسمت از تلمیحات اسلامی ، اسرائیلیات است که آن هم در شعر فارسی هست » ( شمیسا ، ۱۳۷۸ ، ص ۲۵ )

## تلمیحات اسلامی و ایرانی در کلیات شمس

کلیات شمس ، اثر جاودانه مولانا جلال الدین محمد ، شاعر و عارف بزرگ قرن هفتم هجری ، منظومه ای سرشار از وجد و شور و عرفان است که با موسیقی بی نظیر لفظ و معنا ، خواننده را در سماعی عارفانه با شاعر همراه می سازد ؛ مولوی در این اثر ، در سیمای عاشقی عارف ، پرشورترین غزلیات عرفانی را ارائه می کند. « بی گمان در ادب فارسی و فرهنگ اسلامی و فراتر از آن در فرهنگ بشری ، در هیچ مجموعه شعری به اندازه دیوان شمس حرکت و حیات و عشق نمی جوشد » (شفیعی کدکنی ، ۱۳۷۰ ، ص پنزده ) او در این اثر نیز مانند دیگر آثارش ، بهره های فراوانی از آیات و احادیث و اشارات دینی و مذهبی برده است .

یکی از مواردی که در کلیات شمس توجه خواننده را به خود جلب می سازد ، تلمیحات فراوانی است که در جای جای این اثر دیده می شود.

تلمیحات در ادبیات ، دایره وسیعی را شامل می شود ، چنانکه در تعریف تلمیح آمده است :  
تلمیح « در اصطلاح بدیع آن است که گوینده در ضمن کلام ، به داستانی یا مثلی یا آیه و حدیثی معروف اشاره کند . » (همایی ، ۱۳۶۸ ، ص ۳۲۸)

آنچه در این تحقیق مورد نظر ماست ، تلمیحاتی است که به شخصیت ها اعم از شخصیت های دینی و ملی ( حماسی اساطیری ... ) اشاره دارد.

یک نکته قابل تأمل در تلمیحات مولوی آن است که بسیاری از ابیات مولوی ، سرشار از تلمیح است بدین معنی که عناصر تلمیحی مختلف ، در یک بیت جمع شده است ، این عناصر تلمیحی ،

برخی اوقات ، عناصر مختلف یک تلمیح است که به یک داستان یا یک واقعه اشاره می کند و در برخی موارد ، کاملاً از هم مجزاست و به اشخاص یا وقایع متفاوتی اشاره دارد.

مثلاً در بیت :

گر تو فرعون منی از مصر تن بیرون کنی      در درون حالی بینی موسی و قارون من

(کلیات شمس ، ج ۱ ، ص ۵۰۸)

مولوی در تلمیح به داستان حضرت موسی ، اجزاء فرعون ، مصر ، موسی و قارون را در یک بیت جای داده است. به عبارتی می توان گفت که او تلمیحات مختلف مربوط به حضرت موسی را با هم جمع کرده است .

و یا در بیت:

همچو فرهاد از هوایت کوه هجران می کنم      ای تو را خسرو غلام و صد چو شیرین ، یاد دار

( کلیات شمس ، ج ۱ ، ص ۴۳۱ )

در تلمیح به داستان خسرو و شیرین ، عناصر فرهاد ، خسرو ، شیرین و کوه کندن را با هم آورده است. در این دو بیت ، موارد ذکر شده به یک داستان اشاره دارد ، اما از مواردی که مولوی تلمیحات مربوط به وقایع یا افراد مختلف را در یک بیت جمع می کند می توان به بیت زیر اشاره کرد که به داستان حضرت ایوب و یعقوب اشاره دارد :

محنت ایوب را ، فاقه یعقوب را      چاره دیگر نبود رحمت رحمان رسید

(کلیات شمس ، ج ۱ ، ص ۳۵۹)

با کمی تأمل در ابیات یاد شده در می یابیم که در هر بیت ، عناصر تلمیحی کاملاً با یکدیگر تناسب دارند . در مثال اول و دوم ، موارد ذکر شده در رابطه با یک داستان است و در مثال سوم از آن جهت که تلمیحات به داستان دو پیامبر اشاره دارد همچنان با هم متناسب است. وجود تناسب میان اجزاء یک تلمیح یا تلمیحات یک بیت ، امری طبیعی است که در شعر شاعران به وفور یافت می شود ، اما نکته جالب توجه در تلمیحات مولوی آن است که وی در برخی از ابیات ، تلمیحاتی را با هم جمع

می کند که برای خواننده تازگی دارد و در واقع هماهنگی میان آنها تاحدی با موارد پیشین متفاوت است.

به عنوان مثال در بیت :

رستم و حمزه فکنده تیغ و اسپر پیش او      او چو حیدر گردن هشام و اربق می زند

( کلیات شمس ، ج ۱، ص ۲۹۷ )

شاعر تلمیح رستم و حمزه را در کنار هم قرار داده است هر چند دلآوری و شجاعت وجه تشابه این دو شخصیت است ، اما همراهی آنها در یک بیت ، با مثال های پیشین تفاوت آشکاری دارد ، این تفاوت از آنجا ناشی می شود که مولوی اشارات اسلامی و ایرانی را با هم همراه کرده است ، در واقع آمیزش عناصر دینی و ملی در ذهن و اندیشه شاعر تناسبی خاص میان تلمیحات این بیت ایجاد می کند.

در بررسی تلمیحات کلیات شمس از این دیدگاه ، با سه دسته از ابیات مواجه هستیم:

۱- ابیاتی که تلمیحات اسلامی را در بر دارد.

۲- ابیاتی که حاوی تلمیحات ملی است .

۳- ابیاتی که در آنها تلمیحات اسلامی و ایرانی ، با هم آمیخته شده است .

آنچه در این مقاله بیشتر مورد توجه است ، دسته سوم است که ادغام هویت ملی و دینی شاعر را به روشنی نشان می دهد.

## ابیات حاوی تلمیحات اسلامی

این ابیات که بخش وسیعی از کلیات شمس را در بر می گیرد اکثراً به زندگی انبیاء و اولیاء اشاره دارد . دکتر پورنامداریان در کتاب داستان پیامبران در کلیات شمس می گوید: « بهره گیری از داستان پیامبران در کلیات شمس چنان گسترده و متنوع است که هیچ کتابی را در ادب فارسی از این نظر نمی توان با آن مقایسه کرد مگر مثنوی معنوی خود مولوی را . این تنوع و وسعت تلمیح به داستان

پیامبران ، هم در غزلیات و هم در مثنوی ، بی گمان ناشی از آشنایی کامل و عمیق مولوی با معارف اسلامی و به خصوص غور و تأمل مستمر وی در قرآن کریم و تفاسیر قرآن و حدیث است . « ( پورنامداریان ، ۱۳۶۴ ، ص ۱۱۳ )

« این تنوع چشمگیر نه تنها نکات و حوادث و شخصیت های برجسته داستان پیامبران را که در قرآن کریم و اغلب کتاب های تفسیر و قصص آمده است شامل می گردد ، بلکه نکات و اشاره های نا آشنا و بسیار مهجور را که در بعضی از تفاسیر و قصص ذکر شده است نیز در بر می گیرد. » ( پورنامداریان ، ۱۳۶۴ ، ص ۱۱۷ )

مولوی در کلیات شمس ، بارها به داستان حضرت آدم ، نوح ، ابراهیم ، موسی ، عیسی ، یوسف ، یونس ، خضر ، سلیمان ، ایوب ، صالح ، الیاس ، ادريس ، جرجیس ، لوط و ... اشاره می کند البته به حضرت یوسف ، ابراهیم ، نوح ، عیسی ، موسی ، خضر و سلیمان اشارات بیشتر و به برخی دیگر مانند جرجیس ، الیاس و لوط اشارات کمتری دارد .

مولوی در موارد متعددی تلمیحات پیامبران مختلف را در ابیات متوالی در یک غزل مملّح<sup>۱</sup> آورده است مانند :

با چنین عزّ و شرف ملک سلیمان رسدش	لشکر دیو و پری جمله به فرمان ویند
کزّ و فرّ شرف یوسف کنعات رسدش	صد هزاران دل یعقوب حزین زنده بدوست
گر پرد با پر جان جانب کیوان رسدش	لب عیسی صفتش مرده بدم زنده کند
گر جهان زیر و زبر کرد بطوفان رسدش	نوح وقتست که عشق ابدی کشتی اوست
ید بیضا و عصایی شده ثعبان رسدش	عشق او گرد برانگیخت ز دریای عدم

( کلیات شمس ، ج ۱ ، ص ۵۰۹ )

---

۱- « تلمیح با شعر فارسی به حدی در آمیخته است که می توان به اشعار مملّح یعنی تمام تلمیح برخوردار کرد یعنی اشعاری که از آغاز تا پایان ( و یا غالب ابیات ) آن تلمیح باشد . از این قبیل است برخی از اشعار مولانا که اشعار مملّح او از دیگران بیشتر است » ( شمس ، ۱۳۷۸ ، ص ۲۶ )

که شاعر در پنج بیت به پنج پیامبر اشاره می کند .

در کلیات شمس ، تلمیحات مربوط به پیامبر اکرم (ص) در ابیات بسیاری دیده می شود .

جامه سیه کرد کفر نور محمد رسید      طبل بقا کوفتند ملک مخلص رسید

روی زمین سبز شد جیب درید آسمان      بار دگر مه شکافت روح مجرد رسید

( کلیات شمس ، ج ۱ ، ص ۳۵۴ )

مولوی اشارات متعددی به حضرت علی (ع) دارد و همچنین در ابیاتی ، به ابوبکر ، عمر و عثمان

اشاره می کند. در این اثر تلمیحاتی در باره امام حسن (ع) و امام حسین (ع) نیز به چشم می خورد.

دل است همچو حسین و فراق همچو یزید      شهید گشته دو صد ره به دشت کرب و بلا

(کلیات شمس ، ج ۱، ص ۹۷)

مرتضای عشق شمس الدین تبریزی ببین      چون حسینم خون خود در ، زهر کش همچون حسن

(کلیات شمس ، ج ۲، ص ۲۳۸)

لازم به ذکر است که در ابیاتی که تلمیحات اسلامی را در بر دارد ، در برخی موارد ، آمیختگی ای

میان پیامبران و برخی از عرفا دیده می شود که این امر ناشی از شیوه تفکر مولوی است . مولوی

معتقد است « پیامبران و اولیاء و همه مؤمنانی که با تحقق جوهر الهی و جنبه فرشته گی وجود

خویش در شمار آنان قرار می گیرند از نور واحدی هستند و با آنکه از نظر جسمانی معدودند ، از نظر

روحی متحدند بنابراین هر یک از آنان به منزله دیگری است و همه مظهر حق و خیر و خوبی اند.»

(پورنامداریان ، ۱۳۶۴ ، ص ۹۹)

پهلوی خم وحدت بگرفته ای مقام      با نوح و لوط و کرخی و شبلی و بایزید

(کلیات شمس ، ج ۱ ، ص ۳۵۳)

بنابراین در اشعار مولوی ، در این بخش ، با ابیاتی روبرو هستیم که نام عرفای ایرانی مانند ابراهیم

ادهم ، بایزید بسطامی و ... با نام پیامبران همراه شده است . در برخی ابیات ، این تلمیحات به

گونه ای با هم آمیخته شده که علاوه بر زیبایی معنوی بازی های لفظی شاعر را نیز در بر دارد ، به عنوان نمونه می توان به ابیاتی اشاره کرد که مولوی تلمیح حضرت ابراهیم را با ابراهیم ادهم همراه می سازد:

بر آن آرد تو را حرص چو آذر      که ابراهیم ادهم را رها کن

( کلیات شمس ، ج ۲، ص ۲۲۱ )

## ابیات حاوی تلمیحات ایرانی

در کلیات شمس ، تلمیحات ایرانی بسیار کمتر از تلمیحات اسلامی است و در واقع می توان گفت ، تلمیحات ایرانی کمی در این اثر دیده می شود ، از مهم ترین این تلمیحات ، اشاراتی به شخصیت های اساطیری و حماسی مانند رستم ، زال ، فریدون و کیقباد و ... است<sup>۱</sup>. در این اثر همچنین اشاراتی به داستان های عاشقانه مانند ویس و رامین ، شیرین و فرهاد و ... دیده می شود.

به پیش رستم آن تیغ خوش تر از شکر است      نثار تیر بر او ، لذیذ تر ز نثار

( کلیات شمس ، ج ۱ ، ص ۴۶۴ )

ساقی تو ما را یاد کن ، صد خیک را پر باد کن      ارواح را فرهاد کن ، در عشق آن شیرین لقا

( کلیات شمس ، ج ۱ ، ص ۸ )

مولوی به داستان های ایرانی اشارات گذرایی دارد و در حقیقت این تلمیحات را برای مقاصد معنوی و عرفانی به کار می گیرد .  
مانند :

هر کجا تو خشم دیدی کبر را در خشم جو      گر خوشی با این دو مارت خود برو ضحاک شو

<sup>۱</sup> - « عرفان به طور کلی زیر ساخت حماسی دارد منتهی رجال اساطیری چون رستم و ... تبدیل به قهرمانانی می شوند که با دیو نفس گلاویزند » ( شمیس ، ۱۳۸۲ ، ص ۲۰۶ )

( کلیات شمس ، ج ۲ ، ص ۳۴۸ )

## ابیاتی که آمیزه ای از تلمیحات ایرانی و اسلامی است

چنانکه پیش از این اشاره شد ، ابیات مولوی سرشار از تلمیح است . او اشارات مختلف را در یک بیت جای داده ، و با هم می آمیزد مانند :

تو خراب هر دکانی ، تو بلای خان و مانی      زه کوه قاف گیری چو شتر همی کشانی

( کلیات شمس ، ج ۲ ، ص ۶۱۰ )

این آمیزش ها هم در تلمیحات مختلف اسلامی دیده می شود ، هم در تلمیحات ایرانی و هم در میان تلمیحات اسلامی و ایرانی . آنچه در این بخش به مقتضای موضوع این بررسی مورد نظر است ، ابیاتی است که آمیزه ای از تلمیحات اسلامی و ایرانی است و در واقع ، نقطه تلاقی باورهای دینی و ملی شاعر است . در این ابیات ، عناصر دینی و ملی با هم آمیخته شده و تصاویر زیبایی را ایجاد کرده است ، این آمیختگی با توجه به اندیشه مولوی کاملاً قابل توجیه است . او معتقد است ، از آنجا که نفخه الهی در وجود آدمی دمیده شده ، انسان های پاک و وارسته از تعلقات نفسانی می توانند در ردیف انبیاء و اولیاء الله قرار بگیرند . به نظر می رسد مولوی این اندیشه را در به کار گیری تلمیحات نیز در نظر داشته و با این اعتقاد ، برخی از مظاهر ملی و دینی را در کنار هم قرار داده است .

یکی از عناصر ایرانی که در تلمیحات کلیات شمس در موارد متعددی با عناصر دینی آمیخته

شده ، رستم است :

زین همر هان سست عناصر دلم گرفت      شیر خدا و رستم دستانم آرزوست

( کلیات شمس ، ج ۱ ، ص ۱۷۵ )

در این بیت مولوی ، رستم را در کنار حضرت علی (ع) قرار می دهد. رستم نماد ملی آزادگی و مردانگی است و حضرت علی (ع) که لافتی الا علی لا سیف الا ذوالفقار مظهر دینی جوانمردی .

در اندیشه مولوی ، آنجا که ذات مردانگی مورد نظر است ، رستم می تواند شایستگی همراهی با حضرت علی (ع) را بیابد . در واقع رستم در اینجا ( رستم دل و جان ) است که مولوی در بیتی دیگر می گوید :

تو رستم دل و جانی و سرور مردان      اگر به نفس لثیمت غذا توانی کرد

( کلیات شمس ، ج ۱ ، ص ۳۸۸ )

مولوی در ابیات دیگری ، رستم را با پیامبران همراه کرده است برای مثال در شعر مملّح زیر که ابیات آن به پیامبران و معجزاتشان اشاره دارد در میان تلمیحات سلیمان و نوح و ... به رستم نیز اشاره می شود:

مور فرو شد به گور چتر سلیمان رسید	وسوسه تن گذشت غلغله جان رسید
نوح به کشتی نشست جوشش طوفان رسید	این فلک آتشی چند کند سرکشی
رستم خنجر کشید سام و نریمان رسید	چند مخنث نژاد دعوی مردی کند
مار کنند از فریب ؟ موسی و ثعبان رسید	جادوکانی ز فن چند عصا و رسن
گردن گرگان شکست یوسف کنعان رسید	درد به پستی نشست صاف زردی برست
.....	.....

محنت ایوب را ، فاقه یعقوب را      چاره دیگر نبود رحمت رحمان رسید

( کلیات شمس ، ج ۱ ، ص ۳۵۹ )

در ابیات دیگر می گوید :

من رستمم و روحم ، طوفان قوم نوحم      سرمست آن صبوحم ، تو فتنه را مشوران

( کلیات شمس ، ج ۲ ، ص ۲۷۵ )

ای جوشن را چو دست داوود      یا رستم جنگ را چو جو شن

( کلیات شمس ، ج ۲ ، ص ۲۳۲ )

در این بیت از نظر ظاهری نیز ارتباطی میان رستم و داوود وجود دارد و در واقع جوشن ، حلقه اتصال تلمیح حضرت داوود و رستم است<sup>۱</sup> ، اما در ابیات پیشین ، این ارتباط درونی تر و نهفته تر است و در حقیقت آنچه ارتباط را ایجاد می کند اندیشه شاعر مسلمان ایرانی است .

مولوی در ابیاتی که عشق و عاشق را نیرومند تر و برتر از رستم می داند نیز ، عناصر ملی و دینی را با هم می آمیزد و می گوید :

عشق چو خون خواره شود رستم بیچاره شود      کوه احد پاره شود آه چه جای دل من

( کلیات شمس ، ج ۲ ، ص ۱۸۲ )

کو رستم دستان تا دستان بنمایمیش      کو یوسف تا ببند خوبی و فر ما را ؟

( کلیات شمس ، ج ۱ ، ص ۳۵ )

و در جای دیگر :

آدم دگر بار آمده بر تخت دین تکیه زده      در سجده شکر آمده سرهای نحن الصّاقون

رستم که باشد در جهان در پیش صف عاشقان؟      شبدیز می رانند خوش هر روز در دریای خون

هر سو دو صد ببریده سر در بحر خون زان گرو قَر      رقصان و خندان چون شکر آنا الیه راجعون

( کلیات شمس ، ج ۲ ، ص ۱۶۸ )

در این ابیات ، مولوی عناصر ملی و دینی متعددی را در کنار هم آورده است ، او در ادامه تلمیح به حضرت آدم ، به رستم اشاره می کند و عاشقان را برتر از رستم می داند . نکته زیبا آن است که این عاشقان با شبدیز در دریای خون می رانند چنانکه می دانیم شبدیز اسب معروف خسرو پرویز است که یک تلمیح ایرانی است و در اینجا رخس رستم را نیز به ذهن متبادر می سازد .

---

<sup>۱</sup> - حضرت داوود را اولین سازنده زره می دانند و این عقیده مبتنی بر آیات ۱۰ و ۱۱ سوره مبارکه سبا است .

بعد از پیامبران ، یکی دیگر از شخصیت های دینی که در تلمیحات مولوی با رستم همراه شده است ، حمزه عموی پیامبر (ص) است. مولوی در ابیاتی رستم را با حمزه همراه کرده و در حقیقت مظهر ملی و دینی جنگاوری و شجاعت را با هم آورده است :

ای حمزه آهنگی وی رستم هر جنگی      گر تیغ و سپر خواهی ، نک تیغ و سپر باری

( کلیات شمس ، ج ۲ ، ص ۵۰۹ )

چرخ معلق چه بود ؟ کهنه ترین خیمه او      رستم و حمزه که بود ؟ کشته و افکنده او

( کلیات شمس ، ج ۲ ، ص ۳۲۲ )

و یا :

چون بوی عنایت تو باشد      زالان همه رستم جهادند

چون از بر تو مدد نباشد      گر حمزه و رستمند بادند

( کلیات شمس ، ج ۱ ، ص ۲۷۵ )

علاوه بر رستم ، نام کیخسرو ، فریدون ، اسفندیار و جمشید ( جام جم)<sup>۱</sup> نیز با تلمیحات دینی

همراه شده است :

درویش فریدون شد هم کیسه قارون شد      هم کاسه سلطان شد تا باد چنین بادا

( کلیات شمس ، ج ۱ ، ص ۳۷ )

ای یوسف عیسی دم ، با زر غم و بی زر غم      پیش آر تو جام جم ولله که تویی سرده

( کلیات شمس ، ج ۲ ، ص ۴۰۰ )

شمس دین جام جم است و شمس دین بحر عظیم

شمس دین عیسی دم است و شمس دین یوسف عذار

( کلیات شمس ، ج ۱ ، ص ۴۳۷ )

---

<sup>۱</sup> - در ابیاتی که جام جم با عناصر دینی همراه شده است ، نباید آمیختگی داستان جمشید با حضرت سلیمان را از نظر دور داشت .

در ابیاتی دیگر چنین می خوانیم :

به عصا شکافت دریا که تو موسی زمانی  
بدران قبای مه را که ز نور مصطفایی  
بشکن سبوی خوبان که تو یوسف جمالی  
چو مسیح ، دم روان کن که تو نیز از آن هوایی  
به صف اندرآی تنها ، که سفندیار وقتی  
در خیبر است بر کن که علی مرتضایی  
بستان ز دیو خاتم که توی به جان سلیمان  
بشکن سپاه اختر که تو آفتاب رای  
چو خلیل رو در آتش که خالصی و دلخوش  
چو خضر خور آب حیوان که تو جوهر بقایی

( کلیات شمس ، ج ۲ ، ص ۶۱۲ )

آوردن اسفندیار در میان پیامبران و معجزاتشان و همچنین همراه کردن او با تلمیح حضرت علی (ع) و قلعه خیبر از دیگر مواردی است که تناسب آن در اندیشه شاعر ایرانی مسلمان ایجاد شده است .  
تلمیحات دیگری که در این بخش قابل ذکر است تلمیحات عشاق ایرانی است که در معنی اصلی و یا در معنی ایهامی در این اثر آمده و با عناصر دینی همراه شده است . در اندیشه مولوی سرشار از وجد و شور ، این تلمیحات با هم گره می خورد و ابیات زیبایی را می آفریند:

جان ویسند و رامین سخت شیرین شیرین  
مفخر آل یاسین وز خدا ارمغانی

( کلیات شمس ، ج ۲ ، ص ۶۳۳ )

ای یوسف مه رویان ای جاه و جمالت خوش  
ای خسرو و ای شیرین ای نقش و خیالت خوش

( کلیات شمس ، ج ۱ ، ص ۵۰۱ )

و در بیت دیگر :

حرز دل یعقوبم ، سر چشمه ایوبم  
هم چستم و هم خوبم ، هم خسرو و هم شیرین

( کلیات شمس ، ج ۲ ، ص ۲۰۵ )

مولوی به محمود و ایاز نیز اشاره کرده ، می گوید:

تا نشوی مست خدا ، غم نشود از تو جدا  
تا تو ایازی نکنی کی همه محمود شوی  
تا صفت گرگ دری ، یوسف کنعان نبوی  
تا تو ز دیوی نرهی ، ملک سلیمان نبوی

( کلیات شمس ، ج ۲ ، ص ۴۴۱ )

هر چند تلمیحات ایرانی چنان که پیش از این گفته شد در کلیات شمس بسامد بالایی ندارد ، اما شیوه خاصی که مولوی در آمیزش تلمیحات ایرانی با تلمیحات اسلامی به کار می گیرد از ارزشمندی عناصر ملی در اندیشه مولوی حکایت می کند .

## نتیجه گیری

از بررسی تلمیحات مورد مطالعه در کلیات شمس با هدف تبیین هویت ملی و دینی شاعر ، نتایج زیر به دست آمد :

- ۱- کلیات شمس سرشار از تلمیح است که بخش عظیمی از این تلمیحات ، تلمیحات اسلامی است. تلمیحات اسلامی در این اثر بسیار متنوع است و شاعر به طور مفصل به آنها پرداخته است .
- ۲- در کلیات شمس ، تلمیحات ایرانی نیز دیده می شود ، این تلمیحات در مقایسه با تلمیحات اسلامی ، وسعت چندانی ندارد و شاعر به طور گذرا به آنها اشاره می کند .
- ۳- در بسیاری از ابیات کلیات شمس ، تلمیحات مختلف در کنار یکدیگر قرار گرفته اند و در مواردی این تلمیحات کاملاً با هم آمیخته اند.
- ۴- در برخی ابیات ، مولوی اشارات اسلامی و ایرانی را با هم می آمیزد که ناشی از طرز تفکر مولوی و اندیشه ایرانی - اسلامی اوست ، در واقع می توان گفت در اندیشه عارفانه این شاعر سرشار از وجد و شور آنچه مهم است حقیقت والایی است که می تواند با نمادهای دینی یا ملی بیان شود و مولوی به زیبایی این نمادها را در کنار هم قرار می دهد.

## منابع و مأخذ

### - قرآن کریم

- پورنامداریان ، تقی (۱۳۶۴). **داستان پیامبران در کلیات شمس** . تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- شفیعی کدکنی ، محمد رضا . (۱۳۷۰) **گزیده غزلیات شمس** . تهران : کتابهای جیبی .
- شمیسا ، سیروس . (۱۳۷۸) . **فرهنگ تلمیحات** . تهران : فردوس .
- شمیسا ، سیروس ( ۱۳۸۲ ) **سبک شناسی شعر** . تهران : فردوس .
- مولوی ، جلال الدین محمد بن محمد . ( ۱۳۶۶ ) . **دیوان کامل شمس تبریزی** . با مقدمه . بدیع الزمان فروزانفر . تهران : جاویدان .
- همایی ، جلال الدین . ( ۱۳۶۸ ) **فنون بلاغت و صناعات ادبی** . تهران : نشر هما .

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.  
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.